

مسئله کردها و روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه (۲۰۱۶-۲۰۰۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۴/۱۳

مصطفی خیری*
عنایت‌الله یزدانی**
علی امیدی***

چکیده

امروزه، اهمیت مسئله کردی در منطقه خاورمیانه بیش از هر زمانی دیگر است. ظهور حکومت اقلیم کردستان در شمال عراق و منطقه خودمختار شمال سوریه و همچنین مبارزات مسلحانه پ.ک.ک. باعث تقویت ناسیونالیسم کردی در منطقه شده و نقشه سیاسی خاورمیانه را به چالش کشیده است. منافع مشترک ایران و ترکیه در مسئله جدایی‌طلبان کرد باعث شده است تا آنکارا و تهران با تأسیس دولت مستقل کرد در شمال عراق به مخالفت پرداخته و به همکاری اطلاعاتی و عملیاتی علیه گروه‌های تجزیه‌طلب گُرد یعنی پ.ک.ک. و پژاک اقدام نمایند. تنش بین دو کشور در رابطه با برخی از تحولات منطقه‌ای از جمله تحولات سوریه بر میزان همکاری دو کشور در رابطه با مسئله جدایی‌طلبی کرد تأثیر منفی داشته است. نوشته حاضر با هدف بررسی تأثیر مسئله کردی در روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه به رشته تحریر در آمده است و در پی پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که «مسئله کردی به‌عنوان متغیر مستقل چه تأثیری در روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه داشته است؟» مقاله حاضر پس از بررسی پیشینه جنبش کردی و تحولات صورت گرفته در شمال عراق به مطالعه مسئله پیدایش پ.ک.ک. و پژاک و مبارزات مسلحانه آن‌ها پرداخته و تأثیرات آن دو بر روابط ایران و ترکیه را بررسی نموده است. حمایت نظام بین‌الملل از جنبش جدایی‌طلب کرد و تبدیل آن به یک آرزوی دیرینه برای کردها به‌عنوان بزرگ‌ترین اقلیت بدون دولت، همکاری مستمر ایران و ترکیه را ضروری ساخته است.

واژگان کلیدی: پ.ک.ک.، پژاک، ایران، جنبش کردی، ترکیه.

* دانشجوی دکتری روابط
بین‌الملل، دانشگاه اصفهان.
khirimostafa@yahoo.com

** عضو هیئت علمی گروه
روابط بین‌الملل، دانشگاه
اصفهان (نویسنده مسئول).
eyazdan@ase.ui.ac.ir

*** عضو هیئت علمی گروه
روابط بین‌الملل،
دانشگاه اصفهان.
aliomidi@ase.ui.ac.ir

مقدمه

روابط ایران و ترکیه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ هر چند بدون تنش بود، ولی بیش‌تر بر بی-اعتمادی و رقابت استوار بود. برای این رابطه غیر دوستانه می‌توان دو دلیل عمده بیان کرد: یکی از این دلایل تضاد ایدئولوژیکی رژیم‌های سیاسی دو کشور است. تضاد ایدئولوژیکی بیش‌تر به تلاش نظام‌های سیاسی دو کشور برای مشروعیت بخشیدن به خود در دید عموم بر می‌گردد. رویکردهای اتخاذشده از سوی دولت‌های رفسنجانی و خاتمی حداقل از طرف ایران این تضاد ایدئولوژیکی را کاهش می‌داد. تأکید دولت خاتمی بر گفتگوی تمدن‌ها و تنش‌زدایی با همسایگان بر روابط دو کشور تأثیری سازنده داشت. با پیروزی حزب عدالت و توسعه در ترکیه در سال ۲۰۰۲ تضاد ایدئولوژیکی اهمیت خود را در روابط دو کشور از دست داد (Davut Han, 2015: 61). سیاست خارجی ترکیه در دهه ۱۹۹۰ و پیش از آن بر غرب‌گرایی مبتنی بود، ولی پیروزی اردوغان و حزب او در انتخابات باعث تغییراتی در سیاست خارجی ترکیه و به‌خصوص در رابطه با منطقه خاورمیانه گردید. داود اوغلو^۱ نویسنده کتاب «عمق استراتژیک»^۲ معتقد است ترکیه باید درک خود به‌عنوان بازیگر معمولی منطقه را متوقف کند، زیرا این کشور میراث‌دار امپراطوری عثمانی است. این رویکرد نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت است. ترکیه باید در خاورمیانه فعال شود تا بتواند تهدیدات برخاسته از منطقه خاورمیانه را دفع و از منافع حضور به‌رمند گردد. با توجه به عملیاتی شدن رویکرد اخیر در سیاست خارجی، همکاری ترکیه با ایران به‌ویژه در زمینه‌های امنیتی افزایش زیادی یافته است.

مانع عمده دیگر درگسترش روابط دو کشور مسئله پ.ک.ک. بود. مقامات ترکیه ایران را به حمایت تدارکاتی و پناه دادن اعضای آن متهم می‌کردند. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران این اتهامات را رد می‌کرد. در می سال ۲۰۰۴ گروهی از اعضای ایرانی پ.ک.ک. حزب پژاک^۳ (حزب زندگی آزاد کردها) را به وجود آوردند. حزب تازه‌تأسیس روابط بسیار نزدیکی با حزب پ.ک.ک. دارد و پایگاه‌اش در کوه‌های قندیل^۴ شمال عراق و در مجاورت پ.ک.ک. است.

1 Davutoglu
2 Stratejik Derinlik
3 Party for Free Life in Kurdistan (PJAK)
4 Qandil

پژاک همانند پ.ک.ک. خشونت را برای رسیدن به اهداف خود انتخاب نموده است. تأسیس آن باعث نزدیکی بیش تر دو کشور در زمینه مختلف به خصوص در زمینه مسائل امنیتی شده است. در توافق نامه‌های همکاری که بین دو کشور به امضا رسیده بر هماهنگی دو کشور در عملیات علیه پ.ک.ک. و پژاک تأکید شده است. هم‌چنین، در این توافق نامه‌ها مسئله تبادل اعضای دستگیرشده دو حزب و تبادل اطلاعات نیز مورد توافق قرار گرفته است. در سال‌های اخیر در کنار تأسیس پژاک تحولات شمال عراق و منافع دو کشور در مهار ناسیونالیسم کردی و جلوگیری از تأسیس یک دولت مستقل کرد در امتداد مرزهای ایران و ترکیه، باعث هم‌گرایی دو کشور گردیده است. مقاله حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که مسئله کردی به‌عنوان متغییر مستقل چه تأثیری در روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه داشته است؟ در پاسخ به این سؤال، بحث اصلی مقاله این است که تا پیش از تأسیس پژاک، مسئله کردی نقشی واگرایانه در روابط دو کشور بازی می‌کرد، ولی تأسیس پژاک و تحولات شمال عراق باعث هم‌گرایی بیش تر دو کشور در رابطه با تحولات منطقه گردیده است.

پیشینه پژوهش

در زیر به مهم‌ترین تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته است، اشاره می‌شود. حافظنیا در سال ۱۳۸۵ مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه» در فصلنامه تحقیقات جغرافیایی به چاپ رسانده است. وی در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که پیدایش حکومت خودگردان در شمال عراق چه تأثیری در مناطق کردنشین کشورهای همسایه داشته است. مقاله پس از بررسی سیر تکوین حکومت خودگردان کردی، به مطالعه تأثیر آن بر کردهای کشورهای منطقه خاورمیانه به‌ویژه ترکیه، ایران و سوریه می‌پردازد. وی در بررسی خود تأثیر خودگردانی شمال عراق بر سیستم‌های پیرامونی و ملی را در حوزه‌های ذهنی-عاطفی، سیاسی و منطقه‌ای مورد توجه قرار می‌دهد. از دید نویسنده، از شمال عراق به‌عنوان سیستم مرکزی، پدیده‌ها و امواج تحول به سیستم پیرامونی و یا مناطق کردنشین حاشیه‌ای کشورهای همسایه انتشار پیدا می‌کند و سیستم حاشیه را دچار تحول می‌نماید. تحولات سیستم حاشیه دولت‌های مربوطه را نگران

کرده و بر مواضع، سیاست‌ها و روابط آن‌ها با یکدیگر تأثیر گذاشته و الگویی از هم‌گرایی در روابط منطقه‌ای را در خاورمیانه شکل داده است.

مقاله‌ای تحت عنوان «روابط ایران و ترکیه» در فصلنامه سیاست ترکیه در سال ۲۰۰۸ و به قلم دافنه مک کوردی^۵ به چاپ رسیده است. در این اثر ارزش مند، روابط ایران و ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه ترکیه مورد بررسی قرار گرفته است. از دید نویسنده، همکاری‌های دو کشور در حوزه‌های امنیت و انرژی بیشتر جلب توجه می‌نماید. در حوزه امنیت وضعیت شمال عراق باعث هم‌گرایی دو کشور در مسئله جدایی طلبی کردی شده است. در این مقاله، منطقه شمال عراق به لحاظ این که محل امنی برای فعالیت گروه‌های تجزیه طلب کرد ایرانی و ترکیه‌ای است مورد توجه بوده و تأثیرات سیاسی و فرهنگی حکومت اقلیم کردستان عراق بر جوامع کرد کشورهای همسایه نادیده گرفته شده است.

علیرضا نادر و استفان لازابی^۶ پژوهش مشترکی در موسسه رند^۷ تحت عنوان «روابط ایران و ترکیه در خاورمیانه در حال تغییر» در سال ۲۰۱۳ انجام داده‌اند. از دید نویسندگان، هرچند در دهه گذشته روابط ترکیه و ایران در زمینه مختلفی از جمله اقتصادی گسترش یافته است، ولی بیداری اسلامی به رقابت سیاسی و ایدئولوژیکی دو کشور دامن زده است. نویسندگان در پی پاسخ به این سؤال اند که تا چه اندازه‌ای منافع امنیتی ترکیه و ایران هم‌گرا و تا چه اندازه‌ای واگراست؟ جنگ داخلی سوریه و حمایت ترکیه از مخالفین بشار اسد موجب تنش در روابط دو کشور شده است. نگرانی ترکیه از تحولات سوریه ناشی از جدایی طلبی کردها در شمال سوریه است. عقب‌نشینی استراتژیک بشار اسد از مناطق کردنشین شمال سوریه و ادعای خودمختاری کردها نگرانی‌های امنیتی آنکارا را در پی داشته است. ایران و ترکیه اقلیت کرد بزرگی دارند و منافع امنیتی مشترک و هم‌گرای آن‌ها در جلوگیری از ظهور دولت مستقل کرد در شمال سوریه است. سرنوشت حکومت دمشق نیز واگرایی منافع امنیتی تهران و آنکارا را باعث شده است. منافع امنیتی واگرا به نوبه خود همکاری‌های اطلاعاتی و عملیاتی تهران و آنکارا را در مبارزه با گروه‌های جدایی طلب کرد یعنی پ.ک.ک. و پژاک کاهش داده است. پژوهش فوق تنها به

5 Daphne Mccurdy

6 Stephen Larrabee

7 Rand

مسئله کردی در سوریه و نقش آن در روابط ایران و ترکیه پرداخته است. برکی^۸ در سال ۲۰۰۹ در پژوهشی تحت عنوان «مانعت از جنگ بر سر کردستان» فعالیت‌های اخیر جنبش کردی در منطقه خاورمیانه و پیشینه تاریخی و شرایط فعلی جنبش کردی را در هر چهار کشور ایران، ترکیه، سوریه و عراق مورد بررسی قرار داده است. از دید نویسنده، یکی از پیامدهای حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق گسترش آروزهای ملی‌گرایانه سرکوب‌شده جنبش کردی در هر چهار کشور یاد شده است که در صورت عدم مهار می‌تواند ثبات در منطقه خاورمیانه را مختل نماید. مسئله کردی همکاری‌های کشورهای منطقه از جمله ترکیه و ایران را موجب شده است. در آثار فوق تحولات شمال عراق، منطقه خودمختار شمال سوریه و گروه‌های تجزیه‌طلب کرد نظیر پ.ک.ک. و پژاک به صورت همزمان مورد بررسی نبوده‌اند و هریک از پژوهش‌های موجود به بخشی از واقعیت اشاره کرده و جنبه یا جنبه‌های دیگر مورد اغفال قرار گرفته‌اند. مقاله در دست تحریر، مسئله کردی و تأثیر آن بر روابط دو کشور ایران و ترکیه را در چارچوبی گسترده مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱. چارچوب نظری: موازنه تهدید

ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل، ایجاد اتحادها را اجتناب‌ناپذیر کرده است. اتحاد به منزله توافقی محسوب می‌شود که کشورها را متعهد به هماهنگ‌سازی نیروهای نظامی و هم‌چنین ساختار دفاعی خود علیه کشورها یا بازیگران مشخص می‌نماید و در زمره اقداماتی هستند که زمینه تأمین امنیت ملی و نیز تحقق اهداف استراتژیک را به وجود می‌آورند. کشورها و بازیگران شرکت‌کننده در اتحاد می‌توانند در این زمینه نقش مؤثر و سازنده‌ای ایفا کنند (Holton, 2010: 35). اتحادها بیش‌تر مبتنی بر امور نظامی هستند و هدف عمده آن‌ها تضمین امنیت است. از دید وایت^۹ کارکرد اتحادها تحکیم امنیت متحدان و ارتقای منافع آنان در جهان بیرونی است (Wight, 1978: 122). جرج لسکا^{۱۰} نیز بر این باور است که دولت‌ها به واسطه ناتوانی از مواجهه با دشمنان خود تصمیم می‌گیرند با دولت‌های دیگر که در وضعیت مشابه به سر می‌برند، تشریک مساعی کنند تا به این ترتیب

8 Barkey

9 Wight

10 Gorg Liska

امنیت خود را در برابر دشمن مشترک‌شان به حداکثر برسانند. دولت‌ها به واسطه همکاری‌های نظامی و امنیتی که در مواجهه با دشمن مشترک فراهم می‌کنند، برای یکدیگر ارزش‌مند شناخته می‌شوند (Liska, 1962:13). بنابراین، اتحادها نه بر اساس اصول، بلکه بر اساس مصالح و منافع مشترک شکل گرفته و تداوم می‌یابند. "هر تهدیدی منجر به اتحاد در عرصه بین‌المللی نمی‌شود، بلکه تهدیداتی که موجودیت یا منافع دولت‌ها را به طور جدی تحت‌الشعاع قرار می‌دهند، در شکل‌گیری اتحادها مؤثرند" (قوام و ایمانی، ۱۳۹۱: ۵۱).

در پارادایم واقع‌گرایی و در چارچوب مفهوم موازنه قوا اتحادها به واسطه وجود دشمن قوی صورت می‌گیرند، اما برخی از نظریه‌پردازان واقع‌گرایی نه روی مفهوم موازنه قوا، بلکه بر مفهوم موازنه تهدید در تشریح اتحادها اشاره دارند. در نظریه موازنه تهدید، استنفان والت دولت‌ها نه برای موازنه قوا، بلکه به واسطه موازنه تهدید دست به اتحاد می‌زنند. از دید وی اتحاد، آرایش رسمی یا غیررسمی برای همکاری‌های امنیتی بین دولت‌های مستقل است (Walt, 1987: 12). بنابراین، در این نظریه، تهدید مشترک وجود دارد. برای فهم میزان و درجه تهدید باید عواملی نظیر قدرت عمومی، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت و رفتار تهدیدآمیز منشأ تهدیدزا در نظر گرفته شود. والت معتقد است: "هرچه دولتی قوی‌تر باشد، در مقابله با تهدیدات بیش‌تر گرایش به برقراری توازن و ائتلاف خواهد داشت و هر چه دولتی ضعیف‌تر باشد، امکان‌توسل آن به سیاست دنباله‌روی بیش‌تر خواهد شد" (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴: ۶۹۵). منطق هزینه و فایده در شکل‌گیری اتحادها تأثیرگذار است و کشورها در تشکیل اتحادها صرفاً منافع ملی و امنیت ملی خود را در نظر می‌گیرند.

یافته‌های والت در چارچوب نظریه موازنه تهدید نشان می‌دهد که اهمیت اختلافات ایدئولوژیکی هنگامی که تهدید جدی است، کاهش می‌یابد. ایران و ترکیه با تهدید امنیتی مشترکی مواجه هستند. رفتارهای تهدیدآمیز پ.ک.ک. و پژاک، تمامیت ارضی دو کشور را هدف قرار داده است. مقرر هر دو در کوه‌های قندیل^{۱۱} و در مجاورت مرزهای ایران و ترکیه قرار دارد. یعنی منشأ تهدید به لحاظ جغرافیایی نیز نزدیک است. تجاوز آمریکا به عراق در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ و

به دنبال آن، امکان شکل‌گیری دولت کرد در شمال عراق چالش امنیتی عمده دیگری بود که مستقیماً امنیت ملی کشورهای منطقه به‌خصوص ایران، ترکیه و سوریه را تهدید می‌کرد. تجاوز آمریکا به عراق و ایجاد خلأ قدرت در شمال عراق، از یک طرف محل امنی برای فعالیت گروه‌های تروریستی و تجزیه‌طلب فراهم نمود و از طرف دیگر، موجب شکل‌گیری دولت نیمه مستقل کرد در مجاورت مرزهای ایران و ترکیه شد. عواقب آشفته این تجاوز، ایران و ترکیه را به اتحاد و همکاری در زمینه امنیتی نیز سوق داد (McCurdy, 2008: 98). در عالم نظر، اتحاد کشورهای قوی و کشورهای بی‌که از نقش منطقه‌ای تأثیرگذار برخوردارند، قابلیت و آمادگی بیش‌تری برای سازماندهی پیمان‌های دفاعی خواهند داشت. از جمله این کشورها می‌توان به جمهوری اسلامی ایران و ترکیه اشاره نمود. اتحادها در شرایطی از اهمیت و مطلوبیت وجودی برخوردار خواهند بود که تهدید جدی و یا نشانه‌هایی از تهدید آشکار وجود داشته باشد. گستره و شدت تهدید فراروی امنیت ملی ایران و ترکیه به گونه‌ای است که یک بازیگر به تنهایی قادر به مقابله مؤثر با تهدیدات نخواهد بود. در این بین، ترکیه با وجود هم‌گرایی با غرب، در مسئله کردها خط‌ومشی اتحاد با ایران را برگزیده است (غریباق زندی و شاکری، ۱۳۹۳: ۷۹).

۲. پ. ک. ک. و نقش آن در روابط ایران و ترکیه

با تأسیس پ. ک. ک. در ۱۹۷۸ و اعلام تأسیس دولت کرد به‌عنوان هدف مبارزات مسلحانه حزب، مسئله کردها به‌عنوان تهدید اصلی و نگرانی امنیتی آنکارا مطرح گردید. هرچند به‌واسطه خشونت‌های پ. ک. ک. این حزب از حمایت اندک مردم کرد منطقه برخوردار است (Yazici, 2016: 313). ولی سیاست خارجی ترکیه در منطقه عمیقاً متأثر از مسئله کردی در این کشور بوده و تمرکز اصلی سیاست خارجی ترکیه بر رفع تهدیدهای پ. ک. ک. است (Todorova, 2015: 113). نگرانی امنیتی عمده ترکیه در منطقه خاورمیانه، ابعاد منطقه‌ای تهدیدهای پ. ک. ک. است. ترکیه توجه خود را به منطقه خاورمیانه متمرکز نموده است تا بتواند تهدیدات ناشی از پ. ک. ک. را کنترل نماید. احمد داوود اوغلو وزیر خارجه وقت ترکیه و نویسنده کتاب عمق استراتژیک، ظهور پ. ک. ک. را نتیجه غفلت ترکیه از

خاورمیانه می‌داند. اگر ترکیه در خاورمیانه فعال نشود، آنگاه خاورمیانه در ترکیه فعال خواهد شد و پ.ک.ک. مثال واقعی آن است (Davutoglu, 2008: 129). به نظر می‌رسد یکی از ابعاد مسئله کردها در ترکیه به امنیتی نمودن تقاضاهای کردها برمی‌گردد (Birdisli, 2014: 1). در اثر خشونت‌های پ.ک.ک. بیش از ۴۰ هزار نفر که بیش‌تر آنها سرباز، نگهبان روستا و شهروند عادی بودند، جان خود را از دست دادند. از ۲۰ جولای ۲۰۱۵، یعنی از زمان به شکست انجامیدن پروسه صلح تا ۹ ژانویه ۲۰۱۷، در اثر برخوردهای نیروهای دولتی با شورشیان پ.ک.ک. ۲۴۹۵ نفر جان خود را از دست داده‌اند و ۳۸۳ تن از آنها غیرنظامیان بوده‌اند (Crisis Group, 2017).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ترک‌ها معتقد بودند ایران از حزب کارگران کردستان ترکیه و مسئله تجزیه ترکیه به‌عنوان ابزاری برای تضعیف ترکیه استفاده می‌کند و ایران را به حمایت تدارکاتی و پناه دادن اعضای پ.ک.ک. متهم می‌کردند (Davut Han, 2015: 61). در مجموع، در طول دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ پ.ک.ک. باعث کدورت ایران و ترکیه گردید و روابط دوکشور تحت تأثیر مسئله جدایی‌طلبی کردی رو به تیرگی نهاد (چگنی زاده و خوش اندام، ۱۳۸۹: ۲۰۴). اقدامات پ.ک.ک. در حمله به قطار حامل مسافران ایرانی در منطقه مرزی دوکشور (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۴) و یا انفجار خطوط لوله انتقال گاز ایران به ترکیه (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۴) امنیت در نواحی مرزی ایران را مختل می‌نمود و می‌تواند در آینده بر توسعه صادرات ایران تأثیر منفی بگذارد و ساخت خطوط لوله و تحقق توان‌مندی‌های منطقه را با مشکل مواجه نماید. اما آنچه موجب واکنش جدی ایران در مقابل پ.ک.ک. و اتحاد آن با ترکیه گشت، اقدام پ.ک.ک. در شکل‌دهی به پژاک بود. در تلافی اقدامات پ.ک.ک. در شکل‌دهی به پژاک، ایران پ.ک.ک. را یک سازمان تروریستی معرفی کرد. هم‌چنین، ایران شروع به انجام اقدام‌هایی علیه پ.ک.ک. نمود. هرچند پژاک و پ.ک.ک. به لحاظ سازمانی جدا از هم هستند، ولی پژاک در عمل از شاخه‌های پ.ک.ک. به شمار می‌رود. این دو سازمان تروریستی در زمینه‌های آموزش، لجستیک و نقل و انتقال پرسنل با هم همکاری نزدیک دارند (Self & Ferris, 2016: 14) و هر دو عضو اتحاد جوامع

کردستان ۱۲ که شاخه غیر نظامی پ.ک.ک. است، هستند.

فعالیت‌های پ.ک.ک. در شمال عراق باعث شد شکاف بین ترکیه و آمریکا عمیق‌تر شود. ایالات متحده نسبت به دغدغه‌های ترکیه با سردی برخورد نموده و به خواسته‌های ترکیه برای اقدام علیه پ.ک.ک. وقعی نمی‌نهد. علی‌رغم برخی همکاری‌های مقطعی، آمریکا در مجموع نه‌تنها حاضر به اقدام علیه پ.ک.ک. نبود، بلکه در موارد متعدد با دخالت و ورود نیروهای ترکیه در شمال عراق مخالفت می‌کرد. در جولای ۲۰۰۳ دستگیری یازده نیروی ویژه ترکیه در سلیمانیه توسط نیروهای آمریکایی و برخورد تحقیرآمیز با آن‌ها موجب برانگیختن احساسات ضد آمریکایی در میان مردم گردید. در این هنگام، ترکیه آمریکا را به‌خاطر شروع دوباره خشونت‌های پ.ک.ک. مقصر می‌دانست و به همین خاطر احساسات ضد آمریکایی در میان افکار عمومی ترکیه تشدید شده بود. در سال ۲۰۰۸ در حدود ۷۰ درصد مردم و در سال ۲۰۱۳، ۵۰ درصد سؤال‌شوندگان آمریکا را به‌عنوان دشمن و تهدیدکننده اصلی امنیت ملی خود توصیف کردند (Taspinar & Toll, 2014: 8). بررسی صورت‌گرفته در آوریل ۲۰۰۶ نشان می‌دهد که ۱۲ درصد ترک‌ها نسبت به آمریکا نظر مساعدی داشتند، در حالی که این رقم در رابطه با ایران ۵۳ درصد بود (Jenkins, 2012: 34). نحوه برخورد غرب با پ.ک.ک. و مسئله کردی در شمال عراق نشان داد که غربی‌ها و به‌ویژه آمریکایی‌ها رخدادهای این منطقه را نه بر منافع ترکیه، بلکه بر مبنای منافع خود جهت دهی می‌کنند (شفیعی و نوحی، ۱۳۹۴: ۳۸) و ترکیه باید در اندیشه تثبیت روابط خود با ایران باشد. لذا ترکیه در مبارزه با پ.ک.ک. به دنبال کسب حمایت ایران برآمد (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴). رأی پارلمان ترکیه نطقه تحول اساسی در روابط آنکارا و تهران به شمار می‌رفت. جنگ ۲۰۰۳ باعث واگرایی ترکیه و آمریکا و هم‌گرایی ترکیه و ایران گردید. به‌طوری‌که هیچ رویدادی به اندازه حمله آمریکا به عراق بر روابط ترکیه و آمریکا تأثیر مخرب نداشته است (واعظی، ۱۳۸۷: ۶۰). تنش به‌وجودآمده به عدم تصویب قطع‌نامه سوم مارس در مجلس ترکیه بر می‌گردد. این قطع‌نامه به نیروهای آمریکایی اجازه می‌داد تا از شمال عراق و از طریق خاک ترکیه وارد آن کشور شوند. این موضع ترکیه باعث تقویت وجهه‌اش در میان کشورهای خاورمیانه از جمله ایران گردید. ایران

سعی کرد از نارضایتی ترکیه از آمریکا در رابطه با مسئله پ.ک.ک. بهره‌برداری لازم را برده و حداقل در برخی زمینه‌ها مانند مبارزه با جدایی طلبی کردی، ترکیه را از آمریکا جدا کرده و با خود همراه سازد. تنش در روابط آمریکا و ترکیه که ناشی از مسئله کردی بود زمینه نزدیکی ایران و ترکیه را فراهم نمود (McCurdy, 2008: 99). برای نمونه، در سال ۲۰۰۶ در حالی که سفیر آمریکا در ترکیه اقدامات ترکیه در شمال عراق را غیرمنطقی می‌دانست، سفیر ایران در ترکیه از این اقدامات حمایت می‌کرد. هم‌چنین ایران نیز به دنبال همکاری با ترکیه است چون در رابطه آن با آمریکا که در عراق حضور دارد، مسائل جدی وجود دارد. ایران می‌خواهد با این اقدام خود، ترکیه را به‌عنوان شریک در کنار خود نگه داشته و از اتحاد آن با غرب و علیه خود جلوگیری کند.

۳. شکل‌گیری پژاک و اتحاد ایران و ترکیه

پ.ک.ک. به طور رسمی خواهان جدایی مناطق کردنشین کشورهای ترکیه، عراق، ایران و سوریه و تشکیل کردستان بزرگ است. لذا، شاخه‌هایی در این کشورها به وجود آورده است. حزب اتحاد دموکراتیک^{۱۳} (پ.ی.د.) شاخه سوری و پژاک (حزب زندگی آزاد برای کردها) شاخه ایرانی پ.ک.ک. هستند. پژاک در می ۲۰۰۴ توسط گروهی از اعضای ایرانی پ.ک.ک. تأسیس شد (پورموسی، رهنما قره‌خان‌بگلو و میرزازاده کوهشاهی، ۱۳۸۹: ۱۲۲). این افراد متعهد شدند تا با استفاده از خشونت، حقوق اقلیت کرد ایران را تأمین کنند. گروه مسلح پژاک ضمن اعتراف به رابطه اش با پ.ک.ک.، عبدالله اوجالان زندانی را رهبر عالی و معنوی خود می‌داند. جمیل بایک^{۱۴} از بنیان‌گذاران و رهبران پ.ک.ک.، در سال ۲۰۰۶ اعلام کرد: پ.ک.ک. پژاک را به‌وجود آورده و از آن حمایت می‌کند. کادر رهبری آن را همان مسئولان پ.ک.ک. تشکیل می‌دهند. از نظر مکانی نیز کمپ‌های اصلی آن در کوه‌های قندیل شمال عراق و در مجاورت کمپ‌های پ.ک.ک. قرار دارد. پژاک یک گروه ملی‌گرا و نظامی کردی است که مدعی است برای کسب دموکراسی و استقلال جامعه کرد ایران مبارزه می‌کند و مهم‌ترین حزب مخالف کردی در بین کردهای ایرانی است. از زمان تأسیس، به طور مداوم حملاتی را علیه

13 Democratic Union Party (PYD)

14 CemilBiyek

نیروهای امنیتی و زیرساخت‌های اقتصادی ایران نظیر خطوط لوله گاز موجود در استان‌های کردستان و آذربایجان غربی انجام داده است. علائمی وجود دارند که نشان می‌دهند حزب بزرگ‌تر پ.ک.ک. از پژاک برای منزوی کردن ترکیه استفاده می‌کند و قصد دارد ترکیه را به سوی اتحاد با ایران سوق دهد تا به این طریق باعث تضعیف روابط ترکیه با جهان غرب و انزوای ترکیه گردد و در نهایت موضع ترکیه در برابر پ.ک.ک. تضعیف شود. فرمانده پیشین پژاک، مامند روزه^{۱۰}، در سال ۲۰۰۸ به روزنامه آمریکایی گفته بود پ.ک.ک. قصد برقراری رابطه با آمریکا را داشت و به همین خاطر پژاک را به وجود آورد تا بتواند توجه آمریکا را به سوی خود جلب کند (Los Angeles Times, 2008). خبرگزاری فرات نیوز که متمایل به پ.ک.ک. است بعد از پنجمین کنگره پژاک نتیجه‌گیری کرده بود که ترکیه باید دست به انتخاب بزند؛ یا باید رابطه با ایران را انتخاب کند که در این صورت جهان غرب از جمله اسرائیل و آمریکا به صورت غیر مستقیم از پ.ک.ک. و پژاک حمایت خواهند کرد و احتمال حذف آن‌ها از لیست سازمان‌های تروریستی افزایش خواهد یافت؛ و اگر آمریکا را انتخاب کند، ایران را در مبارزه با پ.ک.ک. در کنار خود نخواهد داشت و در هر حال این به نفع پ.ک.ک. و پژاک خواهد بود (Wilgenburg, 2010: 3).

آمریکا و رژیم صهیونیستی کوشیده‌اند از پ.ک.ک. و پژاک به‌عنوان عاملی علیه ایران و ترکیه استفاده نمایند (چگنی زاده و آثارتمر، ۱۳۸۸: ۲۰۲). گروهک پژاک یکی از ابزارهای آمریکا برای اعمال فشار به ایران محسوب می‌شود. حضور آمریکا در شمال عراق، امنیت ملی ایران را به طور منفی تحت تأثیر قرار داده است. پس از حمله ۲۰۰۳، آمریکا به حمایت از پژاک پرداخت و تنش و ناامنی در مناطق کردنشین ایران افزایش یافت (قربانی شیخ نشین و اکرم قدیمی، ۱۳۹۰: ۷۶). آمریکا در کنار کمک‌های اقتصادی، دارویی و غذایی، با سلاح‌های روسی به تجهیز پژاک می‌پردازد (پور موسی، رهنما قره خانگللو و میرزا زاده کوه شاهی، ۱۳۸۹: ۱۳۰). جغرافیا و ژئوموفولوژی پیچیده شمال غرب شرایط لازم برای جنگ چریکی را برای گروه‌های تروریستی نظیر پژاک فراهم نموده است (مقصودی، ۱۳۸۰: ۴۱۳-۴۱۲). پژاک در درگیری‌هایش با نیروهای امنیتی ایران از سلاح‌های سبک و تاکتیک پارتیزانی استفاده می‌کند. پس از انجام حملات،

نیروهای پژاک به سرعت از مرز خارج شده و وارد ترکیه و یا کردستان عراق می شود (پورموسی، رهنما قره خانگللو و میرزازاده کوه شاهی، ۱۳۸۹: ۱۲۸). لذا، کنترل مرزهای ایران و ترکیه و همکاری های اطلاعاتی دو کشور در این زمینه اهمیت به سزایی برای هر دو طرف دارد. ایران از ناحیه گروه های تروریستی کرد به واسطه تشکیل پژاک احساس تهدید نموده و بنابراین به همکاری و همراهی با ترکیه در مبارزه با گروه های تجزیه طلب کرد و تأمین امنیت و کنترل مناطق مرزی روی آورد (Davut Han, 2015: 66). در سال ۲۰۰۴ ایران و ترکیه توافق نامه همکاری امنیتی به امضا رساندند (Ahmadi & Ghorbani, 2014: 76).

۴. تحولات شمال عراق

فعالیت مسلحانه گروه های کردی نظیر پژاک و پ.ک.ک. از یک طرف و تحولات شمال عراق که منجر به شکل گیری هویت کردی در شمال این کشور شد از طرف دیگر، باعث همگرایی ایران و ترکیه شدند و به مسئله کردها جنبه بین المللی دادند (Todorova, 2015: 113). جنبش کردی گرچه سابقه ای دیرینه دارد، ولی دو نقطه عطف در آن می توان یافت که باعث تقویت آن شد.

۴-۱. شکست صدام از نیروهای ائتلاف در ۱۹۹۱

نیروهای مسلح عراق در دوم اوت ۱۹۹۰ از مرز کویت عبور کرده و این کشور را به اشغال خود در آوردند. دولت عراق پس از اشغال کویت، موجی از یک ائتلاف بین المللی به رهبری ایالات متحده را مقابل خود یافت که منجر به اخراج عراق از کویت شد. پس از شکست نیروهای عراقی، مردم کردستان در شمال و شیعیان در جنوب فرصت مناسبی برای خیزش و شروع یک قیام پیدا کردند. در ۲۸ مارس ۱۹۹۱ حمله متقابل عراق با سلاح های سنگین، شورشیان کُرد را وادار به ترک شهر کرکوک کرد و سپس کردها از اربیل^{۱۶}، دهوک^{۱۷} و زاخو^{۱۸} عقب نشینی کردند. در آوریل ۱۹۹۱ یک هفته پس از شکست شورش، شورای امنیت با تصویب قطع نامه ۶۸۸ دولت عراق را به خاطر سرکوب مردم غیرنظامی از جمله در منطقه کردستان

16 Erbil

17 Dohuk

18 Zakho

محکوم کرد و به ابتکار جان میجر^{۱۹}، نخست‌وزیر وقت انگلیس، ایجاد منطقه امن (منطقه پرواز ممنوع) مورد پذیرش قدرت‌های بزرگ قرار گرفت. مرزهای این منطقه در شمال عراق مماس بر مرزهای محدوده خودمختاری بود که در ۱۹۷۵ برای کردها به رسمیت شناخته شده بود. مناطق امن شمال عراق زمینه مناسبی را برای فعالیت کردهای مخالف ترکیه و ایران در این منطقه فراهم کرد.

۴-۲. اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ و سقوط صدام

بعد از ساقط شدن نظام بعثی عراق طی قانون دولت انتقالی عراق، اختیارات زیادی به کردها داده شد. حکومت اقلیم اختیاراتی بیش از فدرال بودن دارد؛ چنان‌که می‌توان از آن به فرافدرالی^{۲۰} نام برد (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱۳). کردها توانستند از ضعف حکومت مرکزی، اختلاف اعراب سنی و شیعه و رشد فرقه‌گرایی استفاده لازم را برده و به شناسایی بین‌المللی و تثبیت حاکمیت داخلی خود اقدام نمایند. ترکیه و ایران از این واگه داشتند که حضور آمریکا از یک طرف فضای حرکت و مانور آن‌ها را در عراق محدود خواهد کرد و از طرف دیگر ملی‌گرایی کردی را در عراق و منطقه دامن خواهد زد (Bulent & Yorulmazlar, 2016: 2). ادعای مالکیت و کنترل تدریجی مناطق مورد منازعه نظیر کرکوک یکی از منابع نگرانی آنکارا و تهران است. بعد از ۲۰۰۳، حکومت اقلیم مشغول مهندسی دموگرافیک برای کنترل مناطق مورد منازعه بوده است (Natali, 2015: 147). با گذر زمان، کردها توانستند سلطه خود بر کرکوک را تحکیم بخشند و ترکیب جمعیتی این منطقه نفت‌خیز را به نفع خود تغییر دهند. از نظر ترکیه، کنترل کرکوک توسط کردها در واقع یک گام اساسی در دست‌یابی آن‌ها به استقلال است. ایران نیز نگرانی‌های مشابه ترکیه دارد. ولی از طرف دیگر، نمی‌خواهد ترکیه بر منابع نفت و گاز شمال عراق کنترل داشته باشد. عدم وجود حاکمیت عراق بر شمال این کشور، به کردها به‌عنوان بزرگ‌ترین اقلیت بدون دولت در دنیا (Todorova, 2015: 113) آزادی عمل در رسیدن به خودمختاری بیش‌تر و در نهایت استقلال سیاسی می‌داد.

خودمختاری کردها در شمال عراق دو تأثیر عمده ذهنی-عاطفی و سیاسی بر کردهای منطقه داشت. تبعات شکل‌گیری هویت کردی در شمال عراق بر امنیت

19 John Major

20 Trans Federal

ملی ایران را می‌توان در ناآرامی‌های سال ۱۳۸۴ مه‌باد، تشکیل فراکسیون کرد مجلس متشکل از نمایندگان شیعه و سنی‌گردد که نشان‌دهنده اصالت‌یابی هویت نژادی، در برابر هویت مذهبی بود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۳) و نیز شادمانی کردهای کشور به خصوص شهرهای سنندج و مه‌باد از اعلام نظام فدرالیسم در عراق و رئیس‌جمهور شدن طالبانی و متعاقب آن مشارکت کم‌رنگ کردها در انتخابات شوراها، مجلس و دوره نهم ریاست جمهوری ردیابی کرد (حق پناه، ۱۳۸۶: ۶). آنکارا از این بیم دارد که تحولات شمال عراق امنیت ملی و تمامیت ارضی ترکیه را به مخاطره بیندازد و در آینده کردهای ترکیه از دولت درخواست تشکیل دولت و یا کردستان خودمختار همانند عراق داشته باشند (Bekic, 2016: 3).

از طرف دیگر، خلأ قدرت ایجادشده در شمال عراق محیط امنی را برای فعالیت‌های مسلحانه پ.ک.ک. و پژاک علیه ایران و ترکیه مهیا می‌کرد. این خلأ به فعالیت‌های پ.ک.ک. حیاتی دوباره بخشید و ترکیه با پ.ک.ک. قوی‌تری مواجه شد (Aydin, 2013: 488). برای همین، نه‌تنها دولت‌های ایران و ترکیه، بلکه افکار عمومی این کشورها نیز با حمله آمریکا به عراق مخالف بودند. آمریکا عملیات برون‌مرزی ترکیه علیه مواضع پ.ک.ک. در شمال عراق را موجب گسترش بی‌ثباتی در منطقه می‌دانست و نسبت به انجام چنین عملیاتی به ترکیه هشدار داده بود. به همین دلیل، منطقه کوهستانی قندیل در شمال عراق و در مجاورت مرزهای ایران و ترکیه، به محل امنی برای فعالیت‌های پ.ک.ک. و پژاک تبدیل شده بود. با بهره‌برداری از این محل امن بود که پ.ک.ک. به آتش بس خود در سال ۲۰۰۴ پایان داد (Chittenden, 2016: 34) و در همان سال حزب پژاک را تأسیس نمود. هرچند مقامات اقلیم کردستان عراق به ترکیه قول همکاری در مبارزه با پ.ک.ک. را داده‌اند و می‌خواهند نظر مساعد ترکیه را در رابطه با مسئله استقلال کردستان عراق به‌دست آورند، ولی در مقابل، ترکیه از این واگمه دارد که اقلیم کردستان پس از دست‌یابی به استقلال به وعده خود وفا نکند. بی‌ثباتی عراق به دنبال حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ به عنوان کاتالیزور در گسترش روابط ترکیه با ایران و همچنین ترکیه با متحد سنتی ایران یعنی سوریه نقش بازی می‌کرد (Talbot, 2013: 2). هرچند دولت‌های ایران، ترکیه و سوریه دارای دیدگاه‌های متفاوت منطقه‌ای و بین‌المللی هستند، ولی به دنبال تأسیس منطقه خومختار شمال عراق هستند و حمایت نظام

بین الملل از استقلال کردها همواره بر حفظ تمامیت ارضی عراق تاکیده کرده و اجلاس‌های مشترک سه جانبه داشته اند (مهری پور، ۱۳۸۱: ۵۷)؛ زیرا چنین اقدامی می‌توانست به تحریک اقلیت کرد در کشورهای مجاور و تقاضاهای مشابه بینجامد. جنگ سال ۲۰۰۳ به سه دلیل باعث هم‌گرایی ایران و ترکیه شد: ۱- بعد از اشغال عراق، ایران احساس می‌کرد توسط آمریکا محاصره شده است. لذا به دنبال کاهش سطح تهدیدات آمریکا بود. ۲- شکاف ایجادشده بین آمریکا و ترکیه آنکارا را ترغیب نمود تا استراتژی دیگری را ترغیب نماید. ۳- تهدید ناشی از شکل‌گیری احتمالی دولت کرد در شمال عراق (Hentov, 2011: 30).

۵. همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران و ترکیه

سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه در طول دهه‌های گذشته متأثر از مسئله کردی بوده است (Taspinar & Toll, 2014: 11). از دید آنکارا با حل مسئله کردی مانع عمده در برابر آرزوی ترکیه برای قدرت منطقه‌ای بودن برطرف خواهد شد. نبرد ترکیه با تروریسم سابقه طولانی نسبت به ایران دارد. به دلیل حضور نظامی آمریکا در عراق و دیدگاه‌های متفاوت آمریکا و ترکیه در مورد آینده کردستان عراق، ترکیه به دنبال یک شریک استراتژیک در منطقه برای پرکردن خلأ امنیتی آمریکا در مسئله کردها بود (شفیعی و نوحی، ۱۳۹۴: ۳۷). امروزه شاهد همکاری‌های امنیتی دو کشور هستیم و هر دو کشور با مسئله خودمختاری فزاینده و استقلال مناطق کردنشین شمال عراق مخالفت می‌کنند و آن را عامل بی‌ثباتی در داخل مرزهای خود می‌دانند. با شکل‌گیری پژاک، ترکیه ایران را به عنوان متحد در کنار خود در مبارزه با تروریست‌ها مشاهده کرد. روابط دو کشور نه تنها در زمینه‌های امنیتی، بلکه در حوزه‌هایی هم‌چون سیاسی و اقتصادی افزایش خوبی یافته است و شاخصه‌های این بهبود به‌راحتی قابل مشاهده است. بیش از یک دهه است که دو کشور نشست‌های امنیتی متعددی را برگزار کرده‌اند و در این نشست‌ها همکاری‌های امنیتی دو طرف در رابطه با مبارزه با فعالیت‌های تروریستی و تأمین امنیت مرزی مورد بحث قرار گرفته است. نشست‌های امنیت مرزی ایران-ترکیه و کمیسیون عالی امنیتی ایران-ترکیه از جمله چارچوب‌هایی هستند که همکاری‌های امنیتی ایران و ترکیه در آن‌ها صورت می‌گیرند. کمیسیون عالی امنیتی در سطح معاونان وزارت کشور برگزار می‌شود.

کمیسیون امنیت عالی ایران-ترکیه در سال ۱۹۸۸ تأسیس شد و تحت عنوان توافق‌نامه همکاری‌های امنیتی در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید. با قدرت‌یابی حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در ترکیه در سال ۲۰۰۲ و ظهور پژاک در سال ۲۰۰۴ شاهد تغییرات اساسی در فعالیت این کمیسیون و همکاری‌های امنیتی دو کشور بوده‌ایم (Elik, 2012: 91). به‌عنوان نمونه، پس از سفر طیب اردوغان به ایران و امضای توافق‌نامه همکاری در سال ۲۰۰۴، ایران پ.ک.ک را به طور رسمی در لیست سازمان‌های تروریستی قرار داد و ۲۲ نفر از شبه‌نظامیان پ.ک.ک را تحویل ترکیه داد (Elik, 2012: 91). همزمان پژاک نیز حملات چریکی خود علیه نیروهای نظامی ایران را در سال ۲۰۰۶ تشدید نمود. مقامات ایرانی و ترک در فوریه ۲۰۰۶ برای شرکت در دور یازدهم کمیسیون امنیت عالی در تهران گرد هم آمدند تا اقدامات فعالی علیه پ.ک.ک. و پژاک انجام دهند.

در آوریل ۲۰۰۸ دوازدهمین جلسه کمیسیون عالی امنیتی ایران و ترکیه در آنکارا برای بررسی راه‌های مبارزه مشترک با تروریسم برگزار شد. معاون امنیتی-انتظامی وزیر کشور، عباس محتاج، پیش از عزیمت به ترکیه برای مشارکت در این نشست در پاسخ به سؤالی درباره نظر ایران راجع به گروه پ.ک.ک. گفت: "از نظر ما گروه پژاک و پ.ک.ک.، یک گروه با دو نام در یک کشور هستند و ما آن‌ها را یک گروه تروریستی می‌دانیم" (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۷). هرچند در این نشست مسائلی نظیر جرایم سازمان‌یافته و قاچاق نیز مورد توافق قرار گرفتند، ولی تأکید اصلی آن بر مبارزه علیه پ.ک.ک. و پژاک بود. بر این اساس، دیگر موارد توافق‌نامه امضا شده عبارت‌اند از:

الف) افزایش فعالیت‌های تروریستی در منطقه بر منافع هر دو کشور ضرر می‌رساند.

ب) برای تداوم و تعمیق همکاری‌های امنیتی در تمام زمینه‌ها، یاری رساندن و اقدامات دو جانبه مورد نیازند.

ج) بهترین راه مبارزه با این مسئله در کنار همکاری‌های امنیتی، تبادل اطلاعاتی است.

د) در این نشست هم‌چنین در رابطه با تشکیل سیزدهمین کمیسیون عالی امنیتی در تهران تصمیم‌گیری شد (hurriyet, 2008).

نشست‌های امنیتی مرزی دو کشور نیز معمولاً در بازه‌های زمانی شش ماهه

در یکی از شهرهای مرزی نظیر ارومیه و یا وان^{۲۱} برگزار می‌شوند و در آن مسئولین شهرهای مرزی و مقامات نظامی دو کشور حضور می‌یابند تا تأمین امنیت در مناطق مرزی مشترک را مورد بررسی قرار دهند. در اسفندماه ۱۳۹۳ نشست امنیت مرزی ایران و ترکیه در شهر مرزی وان ترکیه برگزار شد. این نشست پس از دو روز با امضای یادداشتی پایان یافت. در این یادداشت، با اشاره به بررسی تحولات امنیتی شش ماه گذشته در مناطق مرزی دو کشور، به توافقات انجام شده در جهت افزایش همکاری‌های مرزبانان دو کشور در تأمین هر چه بهتر امنیت مرزی ایران و ترکیه نیز اشاره شده است. در این نشست، تدابیر لازم برای افزایش امنیت در مرزهای دو کشور، جلوگیری از عبورهای غیرمجاز و قاچاق و مبارزه با انتقال مواد مخدر از جمله مواردی بودند که مورد توافق قرار گرفتند (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۳). آخرین نشست کمیسیون امنیت مرزی دو کشور نیز در اواخر اسفندماه ۱۳۹۵ در محل استانداری دوغو بایزید^{۲۲} ترکیه برگزار شد. در این نشست نیز هم‌چون نشست‌های قبلی مسئله تأمین امنیت و کنترل مرزهای دو کشور مورد بررسی قرار گرفت و بر تداوم اجرای تدابیر امنیتی اتخاذ شده در مرزها تأکید شد (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۵).

همکاری در زمینه مبارزه با گروه‌های تروریستی نظیر پ.ک.ک. و پژاک نه تنها زمینه‌ساز همکاری در دیگر بخش‌ها بوده، بلکه یکی از دلایل شکل‌گیری شورای روابط استراتژیک دو کشور نیز هست. نخستین اجلاس شورای روابط استراتژیک دو کشور در خرداد سال ۱۳۹۳ با حضور رؤسای جمهور و دیگر مقامات بلندپایه دو کشور در کاخ نخست‌وزیری ترکیه برگزار شد. در نشست مطبوعاتی مشترک رؤسای جمهور دو کشور، روحانی اعلام کرد که ایران و ترکیه آماده همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم هستند، زیرا همکاری دو کشور در مبارزه با تروریسم و خشونت مؤثر است. پس از برگزاری این نشست، دو طرف بیانیه مشترکی منتشر نمودند. در این بیانیه، همکاری‌های امنیتی و اقتصادی دو کشور داری جایگاه خاصی هستند. در رابطه با مسائل و همکاری‌های امنیتی در این بیانیه آمده است: «۱- دو طرف بر تعهدات خود برای تقویت همکاری‌ها جهت مبارزه با تروریسم در همه اشکال و ظواهر، جرایم سازمان‌یافته فراقشوری و قاچاق سلاح و مواد مخدر و هم‌چنین قاچاق انسان و مهاجرت غیرقانونی تأکید نمودند؛

۲- دو طرف افراط‌گرایی و خشونت در کلیه اشکال و ظواهر آن، هرگونه فرقه‌گرایی و اعمال خشونت در مناقشات منطقه‌ای را یکی از جدی‌ترین تهدیدات برای صلح و امنیت عنوان نمودند... (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، ۱۳۹۳).

در ژوئن سال ۲۰۰۸ فرمانده نیروی زمینی ترکیه، ایلکر باش بوغ^{۳۳} تأیید کرد که ایران و ترکیه در زمینه تبادل اطلاعات و هماهنگی عملیات نظامی علیه پ.ک.ک. و پژاک همکاری می‌کنند. وی ادعا کرد که آن‌ها اطلاعات را شنود و مبادله می‌کنند و نیروهای نظامی دو کشور همدیگر را از محل حضور و حرکت شبه‌نظامیان کرد مطلع می‌کنند (Ihlas Haber Ajansi, 2008). ایران در مقابل اقدامات پژاک، پایگاه‌های پژاک و پ.ک.ک. را در کوه‌های قندیل شمال عراق که در مجاورت مرزهای ایران و ترکیه قرار دارد، همزمان بمباران می‌کند (Davut Han, 2015: 63). آمار تلفات و جزئیات و ماهیت دقیق عملیات مشترک ایران و ترکیه مشخص نبود، ولی تأثیر آن در افکار عمومی ترکیه مشخص بود. افکار عمومی ترکیه، ایران را حامی ترکیه در مبارزه با تروریسم می‌دید و به آمریکا و اروپا با دیده دشمن می‌نگریست. بررسی افکار عمومی در فاصله زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۷ نشان می‌دهد که ترک‌ها آمریکا را بزرگ‌ترین تهدید خود می‌دانستند، ولی نسبت به ایران دیدی مثبت داشتند. لذا سیاست خارجی حزب عدالت توسعه در همکاری با ایران هم‌راستا با افکار عمومی ترکیه بود.

۶. تحولات سوریه

خیزش عربی محیط امنیتی را در منطقه به طور اساسی تغییر داد. نه تنها فرصت ظهور کردستان بزرگ و مستقل را در منطقه فراهم کرد، بلکه به صف‌آرایی سیاسی جدید کشورهای منطقه نظیر ایران، ترکیه، سوریه و عربستان انجامید. خیزش‌های عربی جاه‌طلبی ملی‌گرایانه کردها را در منطقه تقویت کرد. جنبش‌های کردی منطقه بر این باورند که در نقطه تاریخی حساسی قرار دارند. بحران سوریه و به دنبال آن قدرت‌یابی پ.ی.د. که حزبی وابسته به پ.ک.ک. است، چالشی در مقابل ترکیه بود. قدرت‌یابی پ.ی.د. به پ.ک.ک. جرأت داد و به فروپاشی پروسه صلح ترکیه با پ.ک.ک. منجر شد (Chittenden, 2016: 35). پ.ک.ک. سعی کرد شهرهایی کوچک در مرز ترکیه با سوریه را اشغال کند و به ترتیب مردم

دیگر شهرهای کردنشین ترکیه را به شورش تشویق نماید. آنکارا نیز تلاش کرد تا با استفاده از اهرم بارزانی و شورای مخالفین سوریه، پ.ی.د. را به حاشیه براند. حکومت اقلیم کردستان عراق پ.ک.ک. و دیگر انشعابات آن را رقیب جدی خود می‌داند و به همین دلیل در مقابل ظهور پ.ی.د. به همکاری و اتحاد با ترکیه روی آورد (Kayahan Pusane, 2016: 21). ترکیه هم-چنین به حمایت از رقیب پ.ی.د. یعنی شورای ملی کرد پرداخت. پ.ی.د. نه تنها ترکیب قومی را در شمال سوریه تغییر می‌داد، بلکه زمینه فعالیت‌های تروریستی را در داخل ترکیه نیز فراهم می‌نمود و فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه را تسهیل می‌کرد (Dapkus, 2016: 53). در ابتدا ترکیه تصور می‌کرد مانند دیگر خیزش‌های عربی، تحولات سوریه نیز با سقوط رژیم حاکم پایان خواهد یافت. لذا، سیاست عدم مشکل با همسایگان و سیاست مشارکت با سوریه را تغییر داد و به میزبانی و حمایت از مخالفین حکومت سوریه اقدام کرد تا با پایان بی‌ثباتی‌های سوریه احتمال سرایت آن‌ها به داخل ترکیه از بین برود. تأثیر بحران سوریه بر مسئله کردی از مراحل اولیه شروع بحران قابل رؤیت بود. عقب‌نشینی استراتژیک اسد از شمال سوریه در سال ۲۰۱۲ به پ.ی.د.، حزبی که وابسته به پ.ک.ک. است، این فرصت را داد تا در امتداد مرزهای ترکیه و سوریه مسلط شود. این امر باعث نگرانی بیش‌تر ترکیه شد. مبارزه پ.ی.د. با داعش اهمیت و اعتبار بین‌المللی آن را بالا برده بود و از طرف دیگر، تغییر استراتژی بین‌المللی در سوریه از ساقط نمودن اسد به اولویت مبارزه با داعش موجب انزوای بین‌المللی ترکیه شده بود (Todorova, 2015: 115).

خیزش‌های عربی به رقابت‌های تاریخی ایران و ترکیه انگیزه جدیدی بخشید. بحران سوریه بیش از هر موضوعی تقابل ایران و ترکیه را موجب گردید. سوریه تنها متحد واقعی ایران در منطقه است. سقوط بشار اسد ضربه استراتژیک به ایران خواهد بود و به افزایش نفوذ منطقه‌ای ترکیه منجر خواهد شد. موازنه قوا در منطقه به ضرر ایران و به نفع ترکیه و هم‌چنین دیگر کشورهای عمدتاً سنی‌نشین منطقه نظیر عربستان و قطر تغییر خواهد یافت (Rafizadeh, 2016: 111). از این‌رو، ایران ترکیه را به مداخله در امور داخلی سوریه و تضعیف جبهه مقاومت متهم می‌کرد. از دید ایران، غرب می‌خواهد نتایج درگیری‌های اخیر در سوریه را به نفع خود تغییر دهد و ترکیه در این مناقشه در صف غربی‌ها و برخی از دولت‌های عرب منطقه

قرار گرفته است. از دید ترکیه نیز حمایت‌های تهران باعث شده که بشار اسد به جای اصلاح به سرکوب مردم روی آورد و بحران سوریه طولانی‌تر شود. نگرانی اصلی ترکیه از تحولات سوریه، شکل‌گیری کمر بند کردی از طریق اتصال مناطق حضور پ.ی.د و پ.ک.ک. بود که از مرز ارمنستان شروع می‌شد و به سواحل مدیترانه ختم می‌گردید (Unver, 2016: 135). این کمر بند ضمن تهدید تمامیت ارضی ترکیه رابطه ترکیه با جهان سنی را نیز قطع می‌کرد. بعد از تنش پدید آمده در روابط آنکارا و تهران، پژاک به طور یک‌جانبه اعلام آتش بس کرد. در آن موقع، سرویس‌های اطلاعاتی ترکیه مدعی بودند که محل اختفای رهبر پ.ک.ک. در ایران را به همتای ایرانی خود اطلاع داده بودند (Sinkaya, 2012: 152). رسانه‌های ترکیه گمان می‌کنند که ایران بعد از دستگیری رهبر پ.ک.ک. با او مصالحه کرده و او را آزاد نموده است. متأثر شدن روابط ترکیه و ایران از بحران سوریه، همکاری دو کشور در رابطه با مسئله کردی را مشکل کرده و همکاری اطلاعاتی آن‌ها را کاهش داده است (Larrabee & Nader, 2013: 11) و این کاهش همکاری در مبارزه ترکیه با پ.ک.ک. تأثیر منفی گذاشته است. هرچند تحولات سوریه بر روابط تهران و آنکارا سایه انداخت، ولی دو کشور در رابطه با اقدامات گروه‌های کرد در سوریه و مسئله تمامیت ارضی سوریه مواضع مشترکی اتخاذ کردند. محمدجواد ظریف در سفر به ترکیه در ۲۹ اسفند ۱۳۹۴ که بعد از اعلام نظام فدرالی توسط کردها صورت گرفت، در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با چاووش اوغلو^{۲۴}، وزیر خارجه ترکیه گفت: «با وجود اختلاف نظرها، ایران درباره ضرورت حفظ تمامیت ارضی سوریه با ترکیه هم‌نظر است و ایران و ترکیه خطرات مشترکی در زمینه‌های امنیتی دارند» (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۴).

۷. تفاوت در مواضع ایران و ترکیه در قبال مسئله کردی

تشدید فعالیت‌های مسلحانه برخی از گروه‌های تروریستی نظیر پ.ک.ک. و پژاک و پویش‌های جدید منطقه‌ای، همکاری‌های و موضع‌گیری‌های مشترک دو قدرت منطقه‌ای، یعنی ایران و ترکیه را در برداشته است. برای نمونه، روحانی در سفر خود به ترکیه در سال ۱۳۹۵ و در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با اردوغان، ضمن

تأکید بر مواضع مشترک آن‌ها در مبارزه با تروریسم گفت: «مرزهای جغرافیایی کشورها باید ثابت باقی بماند. تجزیه هیچ کشوری را نمی‌پذیریم. ما بر ثبات تمام کشورها تأکید می‌کنیم» (خبرگزاری کرد پرس، ۱۳۹۵). علی‌رغم این اشتراکات، تفاوت‌هایی در مواضع تهران و آنکارا در رابطه با مسئله کردی وجود دارد. در مقایسه با ترکیه، کردهای ایران درصد کمتری از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و از طرف دیگر، برخلاف سایر کشورهای منطقه، کردهای ایران از آزادی فرهنگی نسبی برخوردار هستند (Asisian, 2010: 7). آن‌ها نه تنها از اقوام ایران کهن هستند، بلکه زبان کردی و فارسی هم‌ریشه بوده و شباهت‌های زیادی به همدیگر دارند. لذا، کردها تمایل شدیدی برای استقلال از ایران ندارند و گروه‌های جدایی طلب کرد نیز فاقد پایگاه اجتماعی لازم هستند. داده‌های مربوط به میزان مشارکت در انتخابات مجلس ایران در سال ۱۳۹۴ را می‌توان به عنوان معیاری برای نبود پشتیبانی مردمی از جنبش‌های جدایی طلبانه کرد به کار برد. میزان مشارکت در کرمانشاه و کردستان، یعنی استان‌هایی که اکثریت جمعیت‌شان کردها هستند، به ترتیب ۶۰ و ۵۳ درصد بود، که هر دو از تهران بیشتر بود. هر چند ایران نیز نگران پیدایش یک کشور کرد در منطقه خاورمیانه است، ولی با توجه به واقعیات مذکور و درآمیختگی کردهای ایران با دیگر اقوام ایرانی، برداشت‌های تهدیدآمیز ایران از جنبش‌های جدایی طلب کردی کمتر از ترکیه است. بنابراین، ایران با این که در مخالفت با پیدایش یک کشور کرد با ترکیه هم‌عقیده است، ولی از نظر چگونگی برخورد با کردها، با ترکیه اختلاف اساسی دارد (International Crisis Group, 2016: 6). متأثر از عمق مسئله کردی، حساسیت و عکس‌العمل ترکیه در برخورد با مسئله کردی شدیدتر از ایران است. نوع برخورد وزرات خارجه دو کشور با بیانیه برگزاری referendum توسط اقلیم کردستان در سال ۲۰۱۷ گواه این موضوع است. بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در واکنش به تصمیم یک‌جانبه اقلیم کردستان عراق مبنی بر برگزاری referendum استقلال اظهار داشت: «عراق یک پارچه، باثبات و دموکراتیک، ضامن منافع همه مردم این کشور از تمام اقوام و مذاهب آن خواهد بود. امروز عراق بیش از هر زمان دیگری نیازمند آرامش و وفاق ملی است» (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۶). در حالی که وزرات خارجه ترکیه برگزاری referendum را خطایی هولناک نامید و حفظ تمامیت ارضی و وحدت سیاسی عراق را پایه اساسی سیاست خارجی ترکیه در قبال عراق

دانست (Anadolu Ajansi, 2017).

مسئله کردی و مبارزه با گروه‌های کردی جدایی طلب در استراتژی سیاست خارجی منطقه‌ای تهران در اولویت‌های پایین تری قرار دارد، در حالی که سیاست خارجی آنکارا در رابطه با منطقه خاورمیانه و به خصوص همسایگان آن متأثر از مسئله کردی در این کشور و رفع تهدیدات امنیتی برخاسته از آن است. برای نمونه، هر چند ایران و ترکیه نگران تمامیت ارضی سوریه هستند و هم چون عراق خواهان حفظ سوریه واحد هستند، ولی اولویت‌های آن‌ها با یکدیگر دارای تفاوت اساسی است. اولویت نخست ترکیه در سوریه جلوگیری از خودمختاری گروه‌های کرد و وابسته به پ.ک.ک. است، ولی اولویت نخست ایران در سوریه را نه کردها، بلکه حفظ جهت گیری ژئواستراتژیک سوریه به عنوان بخشی از محور مقاومت تشکیل می‌دهد و مبارزه با جنبش جدایی طلب کرد در شمال سوریه، در مراحل بعدی اهمیت تهران قرار دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به‌منظور بررسی نقش جنبش کردی در روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه صورت گرفت. بر اساس یافته‌های پژوهش، همکاری و اتحاد گروه‌های جدایی طلب کُرد یعنی پ.ک.ک. و پژاک از یک طرف و شکل‌گیری دولت نیمه‌مستقل کُرد در شمال عراق و در مجاورت مرزهای ایران و ترکیه از طرف دیگر، آنکارا و تهران را به اتحاد و همکاری در مبارزه با گروه‌های جدایی طلب سوق داده است. ایجاد خلأ قدرت در شمال عراق و شکل‌گیری حکومت اقلیم کردستان عراق نه‌تنها باعث تقویت هویت کردی در منطقه شده است، بلکه به دلیل کاهش جدی اقتدار حکومت مرکزی عراق زمینه فعالیت گروه‌های کُرد مخالف ایران و ترکیه نظیر پژاک و پ.ک.ک. را نیز فراهم کرده است. این مسئله بر نگرانی‌های امنیتی آنکارا و تهران از پویش‌های منطقه‌ای دامن زده است. این پویش‌ها باعث تقویت ملی‌گرایی کردی در سال‌های اخیر شده‌اند. حملات آمریکا به عراق در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳، خیزش‌های عربی و به دنبال آن ظهور مناطق خودمختار کرد در شمال سوریه از جمله تحولات منطقه‌ای در طول دو دهه اخیر بودند که به تقویت خودآگاهی کردی کمک زیادی کردند. در سال‌های اخیر، ناسیونالیسم کردی به بهای کاهش اهمیت قبیله‌گرایی و وابستگی‌های حزبی، موفقیت‌های سیاسی قابل توجهی کسب کرده است و به جنبش توده‌ای در کل کردستان تبدیل شده است و مرزهای بین‌المللی و تفاوت‌های منطقه‌ای را در هم نوردیده است. امروزه، شکوفایی جنبش ملی‌گرای کرد و موج جدید تلاش‌های قوم‌گرایانه کردها در منطقه خاورمیانه می‌تواند مرزهای بین‌المللی را در منطقه تغییر داده و پایانی بر توافق‌نامه سایکس-پیکو باشد که بر اساس آن، مرزهای امروزی خاورمیانه ترسیم شده است. چشم‌انداز ترسیم دوباره مرزها در خاورمیانه، نقطه عطفی در پیدایش نظم منطقه‌ای جدید خواهد بود. پیدایش بحران سوریه و رویکردهای متفاوت آنکارا و تهران در قبال آن به نظر می‌رسد بر همکاری دو کشور در مسئله کردی تأثیر منفی گذاشته است. یافته‌های تحقیق بر نقش مسئله کردی در سیاست خارجی آنکارا و تهران تأکید دارد. کشورهای در حال توسعه با تهدیدات دو لایه‌ای ناشی از فقدان انسجام درونی و تهدیدات بیرونی مواجه هستند. در این بین، ایران و ترکیه به عنوان دو قدرت برتر منطقه‌ای دارای استقلال عمل از نظام بین‌الملل هستند و رفتارها و جهت‌گیری

سیاست خارجی آن‌ها در عرصه منطقه‌ای بیش‌تر ناشی از اقتضائات و پویش‌های درون منطقه‌ای است. آن‌ها عموماً بر اساس وجود تهدیدات داخلی و خارجی و به‌خصوص پیوند این دو سطح از تهدید، تصمیم به اتحاد با همدیگر گرفته‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) منابع فارسی

پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری. (۱۳۹۳). *توافق‌های راهبردی دو قدرت منطقه/ ایران و ترکیه بیانیه مشترک دادند*، در:

<http://www.president.ir/fa/78384>, (Accessed on: 7/5/2017)

پورموسی، موسی و رهنما قره خانگللو، جهانبخش و میرزازاده کوهشاهی، مهدی. (۱۳۸۹). *فعالیت‌های تروریستی پژاک و امنیت جمهوری اسلامی ایران، آفاق امنیت*، سال سوم، شماره نهم، ۱۳۶-۱۲۱.

چگنی زاده، غلامعلی و آثارتمر، محمد. (۱۳۸۸). *تحركات قومی کردها و امنیت ملی ترکیه، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، سال اول، شماره ۲، ۲۱۸-۱۸۵. چگنی زاده، غلامعلی و خوش اندام، بهزاد. (۱۳۸۹). *تعامل و تقابل پیرامون گرایبی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه، فصلنامه راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵۵، ۲۲۰-۱۸۹.

حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). *تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، دوره ۲۱، شماره ۴، ۳۶-۵. حافظ نیا، محمدرضا و قربانی نژاد، ریباز و احمدی پور، زهرا. (۱۳۸۹). *تحلیل تطبیقی الگوی خودگردانی کردستان عراق با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم، فصلنامه مدرس علوم انسانی- برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، دوره چهاردهم، شماره دو، ۲۱۶-۱۹۶. حق پناه، جعفر. (۱۳۸۶). *تأثیر پذیری اقوام ایرانی از حضور آمریکا در منطقه، گزارش پژوهشی، پژوهشکده مطالعات راهبردی*.

خبرگزاری ایرنا. (۱۳۹۳). *امنیت مرزی ایران و ترکیه در شهر وان بررسی شد*، در:

<http://www.irna.ir/fa/News/81504088/>, (Accessed on: 13/9/2016).

خبرگزاری ایرنا. (۱۳۹۵). *تأکید بر جلوگیری از قاچاق در نشست مشترک*

مرزی ایران و ترکیه، در:

<http://www.irna.ir/fa/News/82468663/>, (Accessed on: 13/9/2016).

خبرگزاری ایسنا. (۱۳۹۴)، ۲۹ اسفند.

خبرگزاری فارس. (۱۳۹۴)، ۸ شهریور.

خبرگزاری کرد پرس. (۱۳۹۵). تأکید روحانی بر عدم تغییر مرزهای جغرافیایی منطقه/ ایران و ترکیه همکاری های مشترک در مبارزه با ترور داشته باشند، در: <http://kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/News/?Id=104403#Title=>, (Accessed on: 13/9/2016).

خبرگزاری مهر. (۱۳۸۷). در:

<http://www.mehrnews.com/news/665412/100>, (Accessed on: 13/9/2016).

خبرگزاری مهر. (۱۳۹۶). ق/اسمی: عراق یکپارچه ضامن منافع همه اقوام و مذاهب آن خواهد بود، در:

<http://www.mehrnews.com/news/4000427>, (Accessed on: 22/6/2017).

شفیعی، نوذر و روحی، محبوبه. (۱۳۹۴). تجزیه و تحلیل روابط روسیه و ترکیه بر اساس تئوری لیبرالیسم (۲۰۱۴-۲۰۰۲)، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، شماره بیست و پنجم، ۴۶-۲۵.

غریباق زندی، داود و شاکری، اصغر. (۱۳۹۳). تأثیر مسائل راهبردی در روابط ترکیه و عراق، بر ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه امنیت پژوهی، سال سیزدهم، شماره ۴۵، ۸۷-۶۶.

قربانی شیخ نشین، ارسلان و قدیمی، اکرم. (۱۳۹۱). بررسی راهبردی سیاست خارجی آمریکا در کردستان عراق و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲، ۸۲-۵۵.

مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۰). تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.

مهری پور، ذبیح الله. (۱۳۸۱). کردستان عراق و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه رافته، شماره ۳، ۹۸-۷۳.

واعظی، محمود. (۱۳۸۷). تجربه جدید در ترکیه و تقابل گفتمان‌ها، راهبرد، نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۴۷، تابستان، ۷۷-۴۳.

(ب) منابع انگلیسی

Ahmadi, Hamid; Ghorbani, Fahimeh. (2014). "The Impact of Syrian Crisis on Iran-Turkey Relations", *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol. 4, No. 1, 59-87.

Anadolu, Ajansi. (۲۰۱۷). *Dışişleri Bakanlığı: İKBY'nin bağımsızlık referandumu kararı vahim bir hata*, available at: <http://aa.com.tr/tr/gunun-basliklari/disisleri-bakanligi-ikbynin-bagimsizlik-referandumu-karari-vahim-bir-hata/837790>, (Accessed on: 13/6/2017).

Asisian, Njdeh. (2010). *The Kurdish Question and the United States National Interest*, *JCOA Journal, Spring*, available at: https://www.researchgate.net/publication/281903481_The_Kurdish_Question_and_the_United_States_National_Interest, (Accessed on: 20/6/2016).

Aydin, Aydin. (2013). *Three Types of Turkish Foreign Policy After the Cold War on the Middle East*, *The Journal of Faculty of Economics and Administrative Sciences*, Vol.18, No.3, 475-495.

Bekic, Janko. (2016). *Kurds in Iraq seek independence 1۰۰ years after Sykes-Picot*, *Institute for Development and International Relations*.

Birdisli, Fikret. (2014). *Securitization of Kurdish Question in Turkey*, *International Journal of Research in Social Sciences*, Vol.4, no. 2, 1-15.

Bulent, Aras; Yorulmazlar, Emirhan. (2016). *Turkey-Iran Relations: A Long-Term Perspective*, *Center for American Progress*, July 11.

Chittenden, Michael. (2016). *Turkey and the Kurds: Conflict with the Kurdistan Workers' Party and Implications for Turkey-United States Relations*, *Global Security Studies*, Summer 2016, Volume 7, Issue 3, pp. 31-40.

Dapkus, Simonas. (2016). *Turkey's Security Dilemma on the Border With Syria: Situation Assessment and Perspectives of the Intervention*,

at: http://lfpr.lt/wp-content/uploads/2016/01/LFPR_2015_33_Dapkus.pdf, (Accessed on: 13/9/2016).

Davut Han, Aslan. (2015). *Turkish-Iranian Relations. The Past, Present and Future*, Znuv, Vol.41, No.3, pp.58-69.

Davutoglu, Ahmet. (2008). **Stratejik Derinlik: Turkiyinin Uluslararası Kunumu**, 24th ed., Istanbul, Kure.

Elik, Suleyman. (2012). **Iran-Turkey Relations, ۲۰۱۱-۱۹۷۹: Conceptualizing the Dynamics of Politics, Religion and Security in Middle-Power States**, London-New York: Routledge.

Hentov, Elliot (2011), *Turkey's global strategy: Turkey and Iran*, London School of Economics and Political Science, available at: <http://eprints.lse.ac.uk/43501/>, (Accessed on: 11/06/2011).

Hurriyet. (2008). *Türkiye-İran, mutabakat zaptı imzaladı*, available at: <http://www.hurriyet.com.tr/turkiye-iran-mutabakat-zapti-imzaladi-8728901>, (Accessed on: 13/08/2016).

Ihlas Haber, Ajansi. (2008). *Türkiye PKK'ya karşı İran'la istihbarat paylaştı*, available at: <http://www.ih.com.tr/haber-turkiye-pkky-karsi-iranla-istihbarat-paylasti-24216/>, (Accessed on: 13/08/2016).

International Crisis Group. (2016). *Turkey and Iran: Bitter Friends, Bosom Rivals*, Middle East Briefing, No. 51, 13 December.

International Crisis Group. (2017). *Turkey's PKK Conflict: The Rising Toll*.

Jenkins, Gareth. (2012). *Occasional Allies, Enduring Rivals: Turkey's Relations With Iran*, available at: www.silkroadstudies.org, (Accessed on: 13/08/2012).

Kayahan Pusane, Ozlem. (2016). *Turkey's Changing Relation with the Iraq's Kurdish Regional Government*, Middle East Review of International Affairs, Vol. 20, No. 2, pp.20-28.

Larrabee, Stephan; Nader, Alireza. (2013). *Turkish-Iranian Relations in a Changing Middle East*, RAND Corporation.

Liska, George. (1962). **Nation in Alliance: The Limits of Interdependence**, Baltimore: the Johns Hopkins University Press.

Los Angeles Times. (2008). 15 April.

McCurdy, Daphne. (2008). *Turkish-Iranian Relations: When Opposites Attract*, **Turkish Policy Quarterly**, Vol. 7, No. 2, 87-106.

Natali, Denise. (2015). *The Kurdish Quasi-State: Leveraging Political Limbo*, **the Washington Quarterly**, 38:2, 145-164.

Rafizadeh, Majid. (2016). *Odd Bedfellows: Turkey and Iran*, **Turkish Policy Quarterly**, Vol.14, No.4, pp. 109-115.

Self, Andrew; Ferris, Jared. (2016). *Dead Men Tell No Lies: Using Killed-in-Action (KIA) Data to Expose the PKKs Regional Shell Game*, vol.8, pp.9-35.

Sinkaya, Bayram. (2012). *Rationalization of Turkey-Iran Relations: Prospects and Limits*, **Insight Turkey**, Vol. 14, No. 2, 137-156.

Talbot, Valeria. (2013). *Turkey and Iran: Resetting Relations?*, **Analysis**, No.224.

Todorova, Antonia. (2015). *Turkish Security Discourses and Politics: the Kurdish Question*, **Information & Security: An International Journal**, Vol.33, No.2, 108-121.

Taşpınar, Ömer; Tol, Gönül. (2014). *Turkey and the Kurds: From Predicament to Opportunity*, **Us – Europe Analysis Series**, No.54, 1-12.

Unver, H. Akin. (2016). *Turkish-Iranian Energy Cooperation and Conflict: The Regional Politics*, **Middle East Policy**, Vol. XXIII, No. 2, pp.132-145.

Wilgenburg, Wladimirvan. (2010). *Kurdish PKK Using PJAK to Isolate Turkey*, **Terrorism Monitor**, Vol.8, No. 33, available at:

http://www.jamestown.org/programs/tm/single/?tx_ttnews%5Btt_news%5D=36765&cHash=2e54e22aa1#V6HwJHk9JgU, (Accessed on: 13/08/2012).

Wight, Martin. (1978). **Power Politics**, New York: Holmes & Maier.

Yazici, Hanefi. (2016). *PKK Terrorism in Turkey*, **Open Journal of Political Science**, Vol.06, No.03, pp.310-315.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی